

آینده صنایع نساجی و پوشاک در جهان

ناآرامی‌های اجتماعی در پی جستجوی کارگران برای کار شد.

صادرات نساجی و پوشاک در جهان در سال ۲۰۰۹، به ترتیب ۲۱۱ و ۳۱۶ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۸، ۲۵۰ و ۳۶۲ میلیارد دلار بوده است که نشان دهنده‌ی ۱۵/۶ درصد و ۱۲/۸ درصد افت می‌باشد.

پیش‌بینی می‌شود تولید پنبه در جهان پس از سه سال متوالی کاهش بهبود یافته و در سال ۲۰۱۱/۲۰۱۰ با رشد ۱۶ درصدی به ۲۵ میلیون تن برسد، افزایش شدید قیمت‌ها در فصل گذشته محرکی برای این رشد بوده است.

در همین سال مصرف پنبه توسط کارخانجات سراسر جهان نیز روند رو به رشد خود را با سرعتی کمتر نسبت به سال ۲۰۱۰/۲۰۰۹ ادامه می‌دهد که علت آن محدودیت تامین‌کنندگان در دسترس و قیمت‌های بالاتر پنبه می‌باشد. از آنجایی که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۱/۲۰۱۰ تعادل محکمی بین تولید و مصرف برقرار شود در نتیجه موجودی پنبه در جهان در همان سطح ۹ میلیون تن، ثابت باقی‌خواهد

در نظر گرفته شده بود، به تدریج بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ توسط سازمان تجارت جهانی (WTO) لغو شد. نگرانی بسیاری از اقتصادهای خرد و ضعیف جهان که به صادرات پوشاک وابسته بودند این بود که توسط رقبای بزرگ‌تر و کم‌هزینه‌تر نظیر چین، هند، ویتنام، بنگلادش و غیره از سیستم تجارت جهانی حذف شوند.

بحران دوم بحران اقتصاد جهانی است. رکود اقتصادی اخیر در جهان که ناشی از بحران مالی بانکی ۲۰۰۸ در ایالات متحده‌ی آمریکا بود و به سرعت به اقتصادهای صنعتی و در حال توسعه جهان نیز رسید، پس از "رکود بزرگ" در دهه‌ی ۱۹۳۰ شدیدترین بحران اقتصادی در جهان به‌شمار می‌رود. تعطیلی کارخانجات و اخراج کارگران در کشورهای صنعتی منجر به کاهش تقاضای مصرف‌کننده شد که نتیجه‌ی آن سفارشات کمتر و کاهش بازار برای اقتصادهای صادرات محور در کشورهای در حال توسعه بود. رکود اقتصادی با ضربه به صنایع نساجی و پوشاک منجر به تعطیلی کارخانجات، افزایش شدید بیکاری و افزایش نگرانی‌های مربوط به

صنعت نساجی و پوشاک یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین صنایع صادراتی جهان محسوب می‌شود. این صنعت همچنان یکی از جهانی‌ترین صنایع نیز به حساب می‌آید چون اکثر کشورها محصولات نساجی و پوشاک خود را به منظور عرضه در بازارهای بین‌الملل تولید می‌کنند. تولید پوشاک به منزله‌ی یک سکوی پرتاب برای توسعه‌ی ملی بوده و معمولاً یک صنعت آغازگر برای کشورهایی است که به‌علت هزینه‌های ثابت پایین و تاکید بر تولید بر مبنای کار، درگیر مقوله‌ی صنعتی شدن صادرات محور هستند.

اگرچه صنایع نساجی و پوشاک در جهان از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ با نرخ بسیار سریعی در حال گسترش بوده و برای دهها میلیون نفر در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته‌ی جهان اشتغال‌زایی نموده، ولی در طول پنج سال اخیر دو بحران بسیار مهم را تجربه کرده است.

بحران اول، بحران نظم دهنده است. سهمیه‌ها و تعرفه‌هایی که براساس MFA در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ برای منسوجات و پوشاک وارداتی از آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی



ماند.

پیش‌بینی می‌شود واردات پنبه در جهان در سال ۲۰۱۰/۱۱ نیز به روند مثبت خود ادامه دهد و با ۸ درصد افزایش به ۸/۴ میلیون تن برسد. این میزان بیشترین میزان واردات در سه سال گذشته محسوب می‌شود. این افزایش از واردات پنبه‌ی چین ناشی می‌شود که انتظار می‌رود ۲۸ درصد افزایش پیدا کند.

بهبود بسیار موثری که پس از افت شدید در تولید نخ و پارچه در سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۹ مشاهده شده بود، در سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۱۰ پایان یافت و تولید نخ و پارچه به طرز چشمگیری کاهش پیدا کرد. کاهش میزان تولید در آسیا محسوس‌تر بود ولی در اروپا نیز شاهد افت تولید بودیم. این در حالی است که آمریکای شمالی و جنوبی شاهد ثبات یا افزایش سطح تولید در مقایسه با سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۹ بودند.

در سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۱۰، میزان تولید نخ در جهان نسبت به دوره‌ی مشابه سال قبل ۱۲/۸ درصد کاهش یافت. این افت شدید عمدتاً ناشی از کاهش سطح تولید در چین می‌شد (۱۷/۳ درصد). سطح تولید در اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی نیز در مقایسه با سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۹ به ترتیب ۴ درصد، ۵/۱ درصد و ۱۷/۴ درصد کمتر شد.

تولید پارچه در جهان نیز در سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۱۰، ۹/۷ درصد کاهش یافت. آسیا و اروپا به ترتیب شاهد ۱۱/۴ درصد و ۳/۶ درصد افت در میزان تولید پارچه بودند. عامل اصلی این افت چین است. در چین تولید پارچه تا ۱۶/۴ درصد کمتر شد. از سوی دیگر در آمریکای شمالی و جنوبی ثبات تولید (+/-) و ۵/۳ درصد افزایش تولید داشتیم.

چشم‌انداز سال ۲۰۱۰ و پس از آن

در طول ۶۰ سال گذشته و از زمان تشکیل جمهوری خلق چین، با حرکت تدریجی این کشور به سوی یک جامعه ثروتمند، چین از دوره‌ی کشاورزی خارج شد و وارد مرحله‌ی تازه‌ای از رشد و توسعه گشت. صنایع نساجی چین هم‌زمان به عنوان یک صنعت پایه و اساسی، یک صنعت توانگر و ثروتمند و همچنین صنعتی بین‌المللی و رقابت پذیر عمل می‌کند.

در سال ۱۹۴۹، جمعیت چین ۵۴۰ میلیون نفر و نرخ شهرنشینی در آن ۱۰/۶۴ درصد بود. در این

سال تولید نخ در چین تنها ۳۲۷ هزار تن بود. در سال ۲۰۰۸، جمعیت این کشور به ۱/۳۲۸ میلیارد نفر رسید در حالی که نرخ شهرنشینی ۴۶ درصد و میزان تولید نخ ۲۱/۴۹ میلیون تن بود یعنی ۶۴/۷ برابر. تولید الیاف نیز از صفر به ۲۴/۰۵ میلیون تن رسید. در حال حاضر حدود ۲۰ میلیون نفر در بخش نساجی مشغول به کار هستند که ۸۰ درصد آنان را کارگران مهاجر تشکیل می‌دهند. این صنعت همچنین برای ۹ میلیون تن الیاف طبیعی در بخش کشاورزی چین بازار وسیعی را فراهم کرده و پروژه شهرنشینی را در حومه گسترش داده است.

در چین مصرف سرانه‌ی الیاف از ۱۵ کیلوگرم تجاوز کرده است. صادرات منسوجات از ۲۶ میلیون دلار آمریکا در سال ۱۹۴۹ به ۱۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسیده است. در سال‌های اخیر شاهد تغییرات چشمگیری در صنایع نساجی چین بوده‌ایم. به‌رحال پروسه‌ی صنعتی شدن در چین همچنان در مراحل میانی خود به سر می‌برد. تولید ناخالص داخلی سرانه تنها اندکی بیشتر از ۳۰۰۰ دلار است و همچنان ۷۰۰ میلیون نفر که ۵۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند در مناطق حومه‌ای زندگی می‌کنند. همان‌طوری که قبلاً گفته شد صنایع نساجی چین به ایفای نقش تاریخی خود ادامه خواهد داد تا زمانی که به هدف صنعتی شدن کامل و جامعه‌ای ثروتمند دست پیدا کند.

چین در مناطق حومه برنده‌ای بزرگ به حساب می‌آید. این کشور در تمام اقتصادهای مهم سرتاسر جهان نظیر آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و ژاپن موقعیت درخشان خود را بهبود بخشیده است. این کشور همچنین با خرید زمین در بسیاری از کشورهای برتر جهان توانست در مقاصد صادراتی خود تنوع ایجاد کند مثلاً روسیه برای صادرات کالاهای تکمیل شده یا هند، برزیل و ترکیه برای صادرات کالاهای واسطه نظیر منسوجات. سایر اقتصادهای در حال توسعه نظیر بنگلادش، هند، پاکستان، ویتنام و اندونزی هم در دوره‌ی پس از MFA سود بردند. البته در این میان تامین‌کنندگان محلی به شدت آسیب دیدند به ویژه مکزیک، جمهوری دومینیکن، اروپای شرقی و آفریقای شمالی که به اتحادیه‌ی اروپا صادرات داشتند.

لغو تدریجی سهمیه‌ها و رکود اقتصادی، حرکت مداوم به سوی توجیه زنجیره‌ی تامین جهانی را

سرعت می‌بخشد. خرده‌فروشان اصلی، بازاربایان و تولیدکنندگان برندها تمایل خود را برای همکاری با تامین‌کنندگان بزرگ‌تر و توانمندتر که از موقعیت استراتژیک خوبی هم برخوردارند ابراز کرده‌اند.

در حال حاضر مصرف سرانه‌ی الیاف در آمریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن، تایوان، کره جنوبی و ترکیه بیش از ۱۰ کیلوگرم است. مصرف سرانه‌ی الیاف در سایر نقاط جهان کمتر از ۱۰ کیلوگرم در سال می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ تقاضا برای الیاف و نخ افزایش یافته و مصرف سرانه در سال از ۱۰/۹ کیلوگرم به ۱۳/۵ کیلوگرم برسد.

صنایع نساجی و پوشاک توسط خرده‌فروشان اصلی، تولیدکنندگان و بازاربایان برندها کنترل می‌شود. گروه‌های مذکور شبکه‌های تولید در جهان را بررسی کرده و ویژگی‌های منابع را تعیین می‌کنند.

افزایش تعداد خریداران خارجی باعث انتخاب تامین‌کنندگان بر اساس عواملی غیر از محصول شده است نظیر استانداردهای محیطی و همچنین مطلوبیت اجتماعی. مطلوبیت اجتماعی شامل مواردی نظیر دستمزد، ساعات کاری و مزایای اجتماعی عادلانه، حداقل سن (منظور نیروی کار خردسال است)، فرصت‌های شغلی برابر و ایمنی شرایط کار می‌باشد.

یکپارچگی بین مراحل مختلف زنجیره‌ی نساجی ممکن است از نظر سرعت پاسخگویی به نیاز بازار و جلوگیری از انجام فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده در طول زنجیره به‌صرفه باشد. این عوامل بر فاکتورهایی نظیر توسعه‌ی محصول، بهره‌وری، حجم فروش، مواد اولیه‌ی خام و محصولات تکمیل شده تاثیر گذار هستند. یک استراتژی موفق در یکپارچه سازی ممکن است شامل کاهش هزینه‌ها تا سقف ۲۵ درصد شود. یکپارچه‌سازی ممکن است هم به‌صورت همکاری‌های استراتژیک بین شرکت‌ها در مراحل مختلف زنجیره‌ی نساجی باشد و هم به‌صورت ادغام و مالکیت آن‌ها.

به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی باعث بیشتر شدن امکان تامین محصول برای مسافت‌های دور می‌شود و به تشکیل یک پایگاه مجازی برای انجام معاملات کمک خواهد کرد تا از این طریق استانداردهای ارتباط اینترنتی برای محصولات نساجی و پوشاک فراهم و در

نتیجه شخص سوم در معاملات حذف شود.

رشد تقاضای داخلی در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آسیایی ممکن است باعث شود این کشورها سهم بیشتری از تولیدات خود را به بازارهای داخلی اختصاص دهند که این مورد در کشور چین قابل رویت است.

در میدان رقابت شدیدی که در بخش نساجی و پوشاک وجود دارد، تامین کنندگان تجهیزات نساجی همچنان نقش مهمی را ایفا می کنند. شرکت های بین المللی نساجی و پوشاک باید اطمینان حاصل کنند که محصولات و تکنولوژی های جدید به سرعت در میان مصرف کنندگان و مشتریان توزیع می شود.

قوانین و آیین نامه های زیست محیطی باعث فرمول بندی تازه ای در رابطه با محصولات شده و سرمایه گذاری در زمینه های فرآیندهای بازیافت و استفاده مجدد را افزایش داده است. تامین کنندگان مواد شیمیایی به تدریج از مصرف حلال های نامناسب، فلزات سنگین، نمک و سایر مواد شیمیایی آزاد کننده فرمالدهید و ترکیبات ارگانیک سمی فاصله می گیرند.

چشم انداز موارد کاربرد در صنایع نساجی نقش مهمی هم در حجم مواد شیمیایی و هم مخلوط کردن آن ها با یکدیگر ایفا می کند. بهترین موارد کاربرد محصولات نساجی در زمینه های پزشکی و به ویژه بی بافت های دارای ارزش افزوده و محصولات صنعتی با کارایی بالا نظیر پارچه های پوشش دهی شده، فرش و موکت می باشد.

بیوتکنولوژی دگرگونی های زیادی را در صنعت پنبه در جهان ایجاد کرده است. گونه های مختلف پنبه که با استفاده از بیوتکنولوژی تولید می شوند میزان بازدهی را ۴۰-۳۰٪ افزایش می دهند که این میزان بیش از نیمی از تولید پنبه جهان در فصل ۲۰۰۸/۲۰۰۷ را تشکیل می دهد. روش تولید پنبه طی دو دهه ای آینده به شدت تغییر خواهد کرد.

پارچه های بشرساخت همچنان در سطح جهانی باقی خواهند ماند در حالی که کشورهای توسعه یافته بیشتر بر روی الیاف با کارایی بالا و کشورهای در حال توسعه بر روی تولید انبوه الیاف مصرفی تمرکز خواهند کرد.

تولید کنندگان الیاف مصرفی بشرساخت رقابت تنگاتنگی با هم دارند. آن ها برای بقای خود نیاز دارند رو به سوی کشورهایی بیاورند که در آن ها تقاضا برای محصولات مختلف از پتانسیل بالایی

برخوردار است.

مطالعات اخیر نشان داده است که حدود ۴۰ درصد الیاف مصرفی برای تولید منسوجات فنی استفاده می شود. این منسوجات شامل منسوجات مورد استفاده در اتومبیل، منسوجات پزشکی (برای مثال ایمپلنت ها)، ژئوتکستایل ها (تقویت سدها)، منسوجات کشاورزی (منسوجات مورد استفاده برای حفاظت محصول) و منسوجات محافظ (برای مثال محافظت از آتش نشان ها در برابر حرارت و تشعشع، محافظت از جوشکارها در برابر مواد مذاب یا فلزات، جلیقه های ضد گلوله و لباس های فضانوردی) می شود. پیش بینی می شود منسوجات فنی نسبت به سایر بخش های بازار نساجی با نرخ بیشتری به رشد خود ادامه دهند.

در بازار امروز تامین پوشاک از کشورهایی با هزینه های پایین تبدیل به یک قاعده شده است. علاوه بر آن خریداران مجبورند به دنبال منابع به مراتب ارزان تری باشند تا بتوانند مصرف کننده ای را که تقاضای او در بازار رقابتی موجود روز به روز در حال افزایش است را راضی نگه دارند.

به هر حال همچنان برای تولید کنندگان ساکن در غرب اروپا و آمریکا که داخل کشور خود به تولید می پردازند فاصله ای میان بازار داخلی و بازار صادراتی وجود دارد. معمولاً هزینه های تولید در کشورهای توسعه یافته به مراتب بالاتر است. در واقع می توان گفت که هزینه های نیروی کار در غرب اروپا به تنهایی بیش از ۱۰۰ برابر این هزینه در کشورهای آسیای مرکزی می باشد. با این حال تولید در کشورهای توسعه یافته مزایایی نیز دارد. یکی از این مزایا انعطاف پذیری در زمان تحویل کالا و تولید در مقیاس کوچکتر می باشد.

معمولاً رسیدگی و بازبینی کارخانجاتی که در غرب اروپا و آمریکا واقع شده اند، آسان تر است و در نتیجه به طور مرتب به این کارخانجات رسیدگی می شود. همچنین تایید صحت ادعای تامین کنندگانی که کارخانه ای آن ها مورد قبول واقع شده معمولاً برای خریدار آسان تر است. نکته ای مهم این جاست که تامین منابع از کشورهای نزدیک تر باعث می شود تا شرکت بتواند مسافتی را که کالا باید طی کند تا به دست مصرف کننده برسد کاهش دهد و در

نتیجه امتیاز کاهش انتشار گازهای گلخانه ای را از آن خود نماید. در زیر نقاط قوت و ضعف کشورهای برتر جهان در زمینه تولید نساجی و پوشاک و همچنین تهدیداتی که برای آن ها وجود دارد آورده شده است:

چین

نقاط قوت

- بهره روری بالای نیروی کار
- برتری در بهبود بهره روری در سایه ی افزایش تورم
- حذف سهمیه ها و هزینه ی نیروی کار
- کیفیت پارچه و لباس
- قابل اعتماد بودن
- سرمایه گذاری در تکنولوژی
- تنوع محصول، پارچه و کالاهای تکمیل شده
- مواد اولیه ی خام فراوان و در دسترس
- نیروی کار فراوان و در دسترس
- روحیه مدیریت و اندیشه ی مثبت در تجارت
- پشتیبانی دولت

نقاط ضعف/تهدیدها

- تورم (قیمت های تولیدکننده را افزایش می دهد)، رقابت نیروی کار به واسطه ی دستمزدها بالاتر، صنایع غیرپوشاکی بخش
- قوانین و هزینه های نیروی کار: افزایش بیشتر حقوق کارگران بومی در پی وضع قوانین جدید، حقوق تعیین شده ۱/۴۴ دلار در هر ۱/۸۸ ساعت می باشد.
- افزایش ارزش واحد پول، افزایش هزینه های انرژی
- هزینه ارسال کالا
- مباحث مربوط به ایمنی تولید

ترکیه

نقاط قوت

انعطاف پذیری و سرعت، برای مثال تولیدکنندگان داخلی در مراکز جدید تولیدی مصر سرمایه گذاری می کنند.

نقاط ضعف/تهدیدها

- هزینه ی نیروی کار: ۲/۴۴ دلار در ساعت
- اجرای مالکیت فکری
- تورم در بهای مواد اولیه خام در مقایسه با سایر رقبا



هند

نقاط قوت

- تنوع محصول، هند در میان کشورهای جنوب آسیا متنوع‌ترین محصولات نساجی و پوشاک را صادر می‌کند.
- انعطاف‌پذیری و سرعت مهم‌ترین نقاط قوت صنایع نساجی و پوشاک هند محسوب می‌شود، که در قیاس با چین، وجود انعطاف‌پذیری جهت برآوردن تقاضای خریداران، هم سفارشات کوچک مطابق نیاز مشتری و هم سفارشات عمده را میسر می‌سازد.

- پشتیبانی دولت

- بازار داخلی: افزایش تعداد کارخانجاتی که رو به سوی بازارهای داخلی آورده‌اند.

- هزینه‌ی نیروی کار: ۰/۵۱ دلار در هر ساعت، در دسترس بودن مواد اولیه خام و نیروی کار کافی

نقاط ضعف/تهدیدها

- وجود موانع مرتبط با فرآیندهای قانونی برای دربرابر تجارت بین‌الملل

- کمبود مزیت مقیاس یا صرفه‌جویی به مقیاس، ۸۰ درصد واحدهای نساجی و پوشاک کوچک بوده و معمولاً کمتر از ۵۰ نفر کارمند دارند.

- افزایش ارزش واحد پول (روپیه)

- تورم در قیمت‌های مواد اولیه‌ی خام در مقایسه با سایر رقبا و همچنین افزایش هزینه‌های تولیدی نظیر هزینه‌های برق، عملیات و اجرایی و معاملات که در مقایسه با کشورهای رقیب بالاتر است.

بنگلادش

نقاط قوت

- هزینه‌های پایین‌تر تولید و تمایل شرکت‌ها به حفظ حاشیه سود پایین و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های جدید به منظور بهبود بهره‌وری و ارتباط با خریدار

- بهبود امور مربوط به گمرک و حمل و نقل

- در دسترس بودن نیروی کار و هزینه‌ی پایین

آن: ۰/۳۱ دلار در هر ساعت

- هزینه‌های پایین انرژی و کاهش ارزش پول و هم‌زمانی آن با دوره‌ی قبل از MFA منافع زیادی را برای صادرات بخش کشف به همراه داشت.

مکزیک

نقاط قوت

- NAFTA یا قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی

نقاط ضعف/تهدیدها

- هزینه‌ی نیروی کار: ۲/۱۷ دلار در ساعت

پاکستان

نقاط قوت

- هزینه‌ی پایین نیروی کار: ۰/۵۶ دلار در ساعت

- پشتیبانی دولت و سیاست‌های آزاد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به همراه مشوق‌های مختلف

- کاهش ارزش پول در برابر دلار آمریکا و سایر ارزهای غربی. این امر باعث افزایش صادرات و همچنین هزینه‌ی محصولات وارداتی شده است.

- بازار داخلی نسبتاً وسیع

- در دسترس بودن مواد اولیه‌ی خام به‌ویژه پنبه - طرح امتیاز تجاری از سوی اتحادیه‌ی اروپا برای معافیت گمرکی بر ۶۰ قلم از تولیدات نساجی و پوشاک به منظور ورود به بازار این منطقه

نقاط ضعف/تهدیدها

- در دسترس بودن انرژی و اطمینان

- ناآرامی‌های داخلی و ناامنی

- کمبود مهارت‌های طراحی و دانش بازار جهانی، کمبود مراکز حمایتی نظیر تحقیق و آموزش

سريلانكا

نقاط قوت

- تنوع صادرات و تمرکز بر پوشاک ویژه

- کیفیت، خدمات و تحویل به موقع

- پذیرش استانداردهای بین‌المللی کارگری و زیست محیطی

- هزینه‌های پایین نیروی کار: ۰/۴۶ دلار در ساعت

نقاط ضعف/تهدیدها

- فقدان معافیت‌های گمرکی

- کمبود مواد اولیه‌ی خام طبیعی

- وابستگی به صادرات پوشاک، توانایی طراحی و بهره‌وری پایین‌تر

1. Multi Fiber Agreement

2. World Trade Organization

- رشد سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر نظیر تایوان و کره در تولید پارچه و الیاف

نقاط ضعف/تهدیدها

- طراحی، مهارت و تکنولوژی

- نوسانات ارز مخصوصاً یورو

- کمبود کارگر ماهر و مدیریت میانی، سرمایه انسانی و ناآرامی‌ها و اعتصاب کارگران به دلیل دستمزد پایین و شرایط کاری نامناسب

- قطع برق در ایستگاه‌های برق کشور و نیاز به ژنراتورهای تکی که بسیار گران‌تر نیز هستند.

- زیرساخت‌های غیر کارا: بارگیری و حمل و نقل

ویتنام

نقاط قوت

- جایگزینی مناسب برای چین از نظر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و منبع یابی

- رشد صنایع نساجی: سرمایه‌گذاری کشورهای تایوان و کره

- رشد صادرات به ژاپن و بازارهای داخلی، قراردادهای تجاری آسه‌آن (کشورهای جنوب شرقی آسیا)

- محیط تجاری نسبتاً با ثبات و پشتیبانی دولت

- هزینه‌ی پایین نیروی کار: ۰/۳۸ دلار در ساعت

نقاط ضعف/تهدیدها

- کمبود نیروی کار ماهر در زمینه‌ی تکنولوژی، مد و مدیریت

- وابستگی به منسوجات وارداتی

اندونزی

نقاط قوت

- بازار داخلی وسیع: ظرفیت تولید نصبی بالا

- هزینه‌های پایین نیروی کار: ۰/۴۴ دلار در ساعت و نرخ گردش مالی نسبتاً پایین

- سنت‌های قدیمی و اصیل نساجی (تکنیک‌های باتیک و قلابدوزی)

نقاط ضعف/تهدیدها

- هزینه‌های بالای انرژی

- ماشین‌آلات قدیمی و منسوخ

- ناهماهنگی محیط تجاری، بوروکراسی نامطلوب، مالیات، مباحث امنیتی و رشوه